

## آموزه‌های شناختی قرآن در رویارویی با همسرآزاری مردان

سیده فاطمه موسوی\*

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۳۰

### چکیده

همسرآزاری مردان پدیده پنهان جهانی به شمار می‌رود که تا حد زیادی از طریق شناخت‌زایی برطرف می‌شود. یکی از راه‌های شناخت‌زایی در جامعه مسلمان ایرانی، آموزه‌های قرآنی است. این پژوهش بر آن است که قطع نظر از حوزه فقهی و حقوقی و صرفاً در دامنه شناختی و با رویکرد مشاوره‌ای به تفسیر آیات مربوط به همسرآزاری مردان، آموزه‌های ناب قرآنی را از آن‌ها استنباط نماید تا مشاوران خانواده از این آموزه‌ها برای شناخت‌زایی در افراد درگیر با این پدیده آسیب‌زای خانوادگی بهره‌برند. از ویژگی‌های این پژوهش، رویکرد مشاوره‌ای به تفسیر آیات و بهره‌وری از آموزه‌های قرآنی در آسیب‌های خانوادگی است. رهیافت پژوهش حاضر، تبیین فرایند صلح به عنوان اولین و بهترین راهکار قرآنی، معناشناسی واژه صلح، تفاوت معنادار فرایند صلح در ادبیات قرآن با بازخورد انفعالی زنان در رویارویی با خشونت همسرانشان و تبیین مرحله جدایی به عنوان دومین و آخرین راهکار قرآنی می‌باشد.

**کلیدواژگان:** مشاوره قرآنی، خشونت خانوادگی، نشوز مردان، شناخت درمانی.

\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، گروه معارف اسلامی، شیراز، ایران.

## بیان مسأله

«خشونت خانوادگی» رفتاری با قصد و نیت آشکار یا رفتاری با قصد و نیت پوشیده اما قابل درک جهت وارد کردن آسیب بدنی و روانی به فرد دیگر است (ستوده، ۱۳۸۶: ۹۷؛ اعزازی، ۱۳۸۰) که شامل خشونت بدنی، روانی، کلامی و خشونت اقتصادی می‌شود (خنیف، ۱۳۸۷: ۱۱۱). همسرآزاری مردان، به عنوان یکی از نمودهای خشونت‌های خانوادگی، از مسائل و مشکلات در عرصه مناسبات بین‌المللی (خمسه، ۱۳۹۱: ۱۱۷) و پدیده‌ای جهان‌شمول به شمار می‌رود (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۱۱). آمار وزارت دادگستری آمریکا نشان می‌دهد که ۲/۱ میلیون نفر از زنان، همه ساله توسط شریک زندگی فعلی یا قبلی خود مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند یا می‌گرفته‌اند (خمسه، ۱۳۹۱: ۱۱۷). در ایران نیز سالانه به طور متوسط ۴۲۳۹۷ پرونده در کشور به پرونده‌های خشونت‌های خانوادگی اضافه می‌شود (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۰۴). با این حال پژوهشگران ایرانی به این نتیجه رسیده‌اند که تقریباً نیمی از زنان آسیب دیده از خشونت همسرانشان، از روش انفعالی و بخشش محض استفاده نموده، از هیچ نهاد دولتی یا شخصی کمک نمی‌گیرند (ربانی و جوادیان، ۱۳۸۶: ۲۷). همین امر نشان‌دهنده فراوانی بالای این پدیده است؛ بالاتر از آنچه که آمارهای رسمی بازگو می‌کنند. بر همین پایه، شناخت‌زایی در زنان و مردان درگیر با این آسیب خانوادگی از طریق مشاوره و آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی مثبت، از راه‌های پیشنهادی پژوهشگران ایرانی در این زمینه است (همان: ۲۸). از آنجا که همسویی آموزه‌های شناختی با الگوهای ارزشی فرد، پذیرش آموزه‌ها را بیش‌تر می‌کند (احمدی، ۱۳۶۸: ۱۱۴)، آموزه‌های قرآنی در جامعه قرآن‌باور مسلمان ایرانی، می‌تواند به عنوان مناسب‌ترین گزینه برای شناخت‌زایی مطرح شود. نکته چالش برانگیز اینکه کج فهمی آیات الهی در سطح عامه مردم سبب شده تا باورهای مذهبی و فرهنگی، خود به عنوان یکی از دلایل فراوانی بالای همسرآزاری مردان به شمار رود (ربانی و جوادیان، ۱۳۸۶: ۲۷). بنابراین در پژوهش پیش رو تلاش شده است با رویکرد مشاوره‌ای به تفسیر آیات مربوط به همسرآزاری مردان، آموزه‌های ناب قرآنی را از آن‌ها استنباط نماید تا مشاوران خانواده از این آموزه‌های قرآنی برای شناخت‌زایی در افراد درگیر این پدیده آسیب‌زای خانوادگی بهره‌برند. همچنین جایگزین مناسبی برای

باورهای نادرست دینی در این زمینه باشد. در خور یادآوری است که این پژوهش ناظر بر احکام فقهی و حقوقی در این پدیده نیست.

### سوالات پژوهش

در راستای این مسأله، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

- آیات حاکی از آموزه‌های شناختی درباره خشونت خانوادگی شوهران کدام‌اند؟
- چگونه آموزه‌های دریافت شده از این آیات به زنان آسیب‌دیده از خشونت شوهرانشان کمک می‌کند؟

### فرضیه‌های پژوهش

- مطابق با پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌های زیر در خور طرح هستند:
- آیه مربوط به نشوز مردان و آیات ناظر بر برخی سنت‌های الهی مانند آیه تکلیف، آیه شاکله و ... دربردارنده آموزه‌های شناختی برای بهینه نمودن رویارویی با همسر آزاری مردان می‌باشد.
  - واژه‌شناسی "صلح" در آیه نشوز مردان و آموزه‌های شناختی استنباط شده از آیات ناظر بر سنت‌های الهی، در دستیابی به نگرش صحیح نسبت به مفهوم واقعی "صلح" و درنیامیختن مفهوم "صلح" با "سکوت آسیب‌زا" در برابر خشونت همسران، کمک شایانی می‌نماید.

### پیشینه پژوهش

در چند دهه اخیر برخی از قرآن‌پژوهان، به جمع‌آوری آیات سودمند در روان‌شناسی اقدام کرده‌اند. از میان این نوشته‌ها، راهکارهایی از آیات قرآن استنباط شده که می‌توان از آن‌ها برای رویارویی بهینه با خشونت همسران بهره جست. «الاسلام وعلم النفس» (بستانی، ۱۳۷۵) و «قرآن و روان‌شناسی» (نجاتی، ۱۳۷۷) نمونه‌های برجسته‌ای از این کتاب‌هاست. برخی از نوشته‌ها و پژوهش‌ها، در دامنه روان‌درمانی و بهداشت روانی به آموزه‌های قابل استفاده در این آسیب خانوادگی پرداخته‌اند. برجسته‌ترین پژوهش در

این راستا، اصول بهداشت روانی (حسینی، ۱۳۷۴) با استنباط ۲۷ اصل تکاملی در بهداشت روانی از آموزه‌های قرآنی و حدیثی است. برخی از این اصول مانند اصل واکنش متقابل با توجه به تحمل و تغافل (حسینی، ۱۳۷۴: ۲۳۶) از آموزه‌های کارآمد در پدیده خشونت مردان نسبت به همسرانشان می‌باشد. آسیب شناسی و درمان بیماری‌های روانی در قلمرو اسلامی (منطقی، ۱۳۷۵) و آیات القرآنیة والصحة النفسية (بو الهری، ۲۰۰۷) از دیگر مجموعه‌هایی هستند که از آیات راهکارهایی عمومی استنباط نموده که می‌تواند در این آسیب خانوادگی نیز سودمند باشد. در تفاسیر چند دهه اخیر مانند فی ظلال القرآن (شاذلی، ۱۴۱۲)، تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴) و تفسیر نور (قرائتی، ۱۳۸۳) از رهگذر آیات مربوط به خشونت مردان نسبت به همسرانشان، راهکارهایی کلی برای بهینه نمودن رویارویی با این پدیده را بیان نموده‌اند.

در میان نوشته‌ها و پژوهش‌هایی با موضوعات روان‌شناسی - قرآنی، روان‌درمانی - قرآنی و بهداشت روانی از منظر آیات، تنها می‌توان به راهکارهایی عمومی دست یافت که قابل استفاده در این آسیب خانوادگی‌اند. به تعبیر دیگر پژوهش‌هایی ویژه این پدیده با رویکرد درمانی انجام نشده است. همچنین غالب تفاسیر، رویکردی فقهی یا تبیینی نسبت به آیات مربوطه دارند. قریب به اتفاق پژوهش‌های قرآنی درباره آیات مربوط به خشونت مردان نسبت به همسرانشان نیز با نگاهی فقهی به این موضوع پرداخته‌اند. از این میان می‌توان به «راهکارهای اساسی حل مسأله نشوز و شقاق زوجین در قرآن و حدیث» (پژوهنده، ۱۳۸۹) اشاره کرد. برخی از تألیفات قرآنی نیز با هدف رفع شبهات قرآنی، این موضوع را بررسی کرده‌اند. «نظام حقوق زن در اسلام» (مطهری، ۱۳۶۹) از این دست است.

توجه به پیشینه تقریباً تهی این موضوع از منظر شناختی، فراوانی بالای پنهان و آشکار این پدیده در جامعه و توانمندی قرآن در مواجهه مثبت با این آسیب، اهمیت پژوهش حاضر و نیازمندی جامعه به آن را آشکار می‌کند.

رویکرد شناختی در تبیین و تفسیر اجتهادی آیات مربوط به همسرآزاری مردان و رویکرد قرآنی به این آسیب خانوادگی، از ویژگی‌های این پژوهش بوده که رهیافت‌های جدیدی را در پی خواهد داشت.

## جستار واژگان و مفاهیم قرآنی هم‌بسته با مفهوم همسرآزاری مردان

برای پاسخ دادن به نخستین پرسش این پژوهش، بایسته است کاوشی در قرآن برای یافتن واژه هم‌بسته با همسرآزاری مردان در قرآن داشت تا از آن مسیر به آموزه‌های قرآنی رسید. در قرآن کریم ازدواج با هدف آرامش‌یابی معنا می‌گیرد:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (الروم/۲۱)

«و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام بگیرید، و میان‌تان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [انعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است»

بر این پایه هر پدیده‌ای که به این هدف آسیب رساند، ازدواج را از مسیر طبیعی‌اش خارج کرده، پیامدهای منفی به بار می‌آورد. در آیات کریمه، به موارد گوناگونی از آسیب‌های ازدواج پرداخته شده است. یکی از این آسیب‌ها با عنوان نشوز و رویگردانی مردان از خانواده مطرح می‌شود:

﴿وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْضِ أَضْرَارِ نَشْوِزِهَا أَوْ غَرَضًا﴾ (النساء/۱۲۸)

نشوز از ماده نشز در اصل به معنای مکانی بلند گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵/۴۱۷)، از مصادیقش گردنکشی و نافرمانی است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۲/۱۲۵). بر این اساس فِرَق جعفری، مالکی، حنبلی و شافعی بر این باورند که نشوز و اعراض از جانب مرد و زن، سر باز زدن هر یک از همسران از وظایفی است که نسبت به همدیگر دارند (سعدی ابو جیب، ۱۴۰۸: ۳۵۳). برای شناسایی اولین مصداق از معنای گفته‌شده و رسیدن به مدلول صحیح آیه بایسته است به سبب نزول آن پرداخت (حجتی، ۱۳۷: ۸۳). این آیه در مورد همسر رافع بن جریح نازل شده است. رافع با زنی زیباتر و جوان‌تر از همسر اولش ازدواج می‌کند. او آشکارا بیان می‌کند که همسر دومش در نزد او زیباتر و دوست‌داشتنی‌تر است. همچنین همسر اولش را به این شرط طلاق نمی‌دهد که بپذیرد دو یا سه روز در میان سهم او باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۱۴۵؛ قمی، ۱۳۶۷: ۱/۱۵۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۳۲). این داستان اولین مصداق از نشوز و گردن‌کشی مرد را، ازدواج مجدد بی‌ضابطه و ناعادلانه مرد معرفی می‌کند. اما با توجه به قاعده "عدم اقتصار به سبب خاص" (سید مرتضی، ۱۳۷۶: ۱/۳۰۸) مصادیق دیگری هم بر نشوز مردان در

کتاب‌های تفسیری و فقهی ذکر شده است. درشتی و آزار شوهر نسبت به زن، دشنام دادن به او، کتک زدن، نفقه ندادن به او (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۳۵۱/۲)، کینه‌ورزی نسبت به همسر، روی گردانی از او و روی آوردن به دیگری (طوسی، بی تا، ۳۴۸/۳)، ترک همسر و ستم نمودن به او (نجفی صاحب الجواهر، ۱۴۰۴: ۲۰۱/۳۱؛ لنکرانی، ۱۴۲۱: ۴۸۲) از مصادیق ذکر شده برای نشوز مرد در نوشته‌های تفسیری و فقهی است.

بر اساس آنچه که در معناشناسی نشوز و اعراض مردان آمد، می‌توان نتیجه گرفت که این واژگان قرآنی با رویکرد آسیب‌های خانوادگی و خروج آن از معنای حقوقی‌اش، همبستگی معنایی بالایی با مفهوم همسرآزاری مردان دارد. بنابراین اصول آموزه‌های قرآنی در رویارویی با همسرآزاری مردان از آیاتی دریافت خواهد شد که به نشوز مردان پرداخته است. خداوند در این آیات می‌فرماید:

﴿وَلِإِمْرَأَةٍ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۗ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمَعْلُوقَةِ ۗ وَإِنْ تَصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۗ وَإِنْ يَفْرَقَا يَغْنِ اللَّهُ الْكُلَّ مِنَ سَعْتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَسِعًا حَكِيمًا﴾ (النساء / ۱۲۸-۱۳۰)

«و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا روی گردانی داشته باشد، بر آن دو گناه نیست که از راه صلح با یکدیگر، به آشتی گرایند که سازش بهتر است. و الی [بخل او بی‌گذشت بودن]، در نفوس، حضور [او غلبه] دارد و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (\*)» و شما هرگز نمی‌توانید میان زنان عدالت کنید هر چند [بر عدالت] حریص باشید! پس به یک طرف یکسره تمایل نوزید تا آن [زن دیگر] را سرگشته [بلا تکلیف] رها کنید. و اگر سازش نمایید و پرهیزگاری کنید، یقیناً خدا آمرزنده مهربان است (\*)» اگر آن دو، از یکدیگر جدا شوند، خداوند هر یک را از گشایش خود بی‌نیاز گرداند، خدا همواره گشایشگر حکیم است (\*)»

در این آیات، دو راهکار مرحله‌ای صلح و جدایی ارائه شده است. به بیان تفصیلی هر یک از این دو مرحله پرداخته می‌شود.

## مرحله صلح

با توجه به گزاره "وَالصَّلْحُ خَيْرٌ"، مرحله صلح، اولین گام در رویارویی با همسرآزاری مردان است. با معناشناسی واژه صلح آموزه‌های زیر دریافت می‌شود:

- صلح بازسازی سلامت روان و اندیشه و رفتار برای کنارآمدن با شرایط بحرانی است.

صلح، در برابر فساد به معنای خروج از نظم و اعتدال می‌آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۱۶/۲)؛ به هر نوع سلامتی و اعتدال روانی، اندیشه‌ای و کرداری گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۵۶/۶)؛ به گونه‌ای که نفرت و دوری از همدیگر را می‌زداید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸۹). با توجه به واژه‌شناسی گفته شده، صلح در ادبیات قرآن به معنای فرایندی سلامت‌زا در ابعاد روانی، اندیشه‌ای و رفتاری و با هدف همراهی و مدارا با همدیگر است. بنابراین سلامتی روان و اندیشه صلح‌کننده، اولین گام در فرایند صلح به شمار می‌آید. به گونه‌ای که صلح به سود آن‌ها و مایه شادمانی‌شان گردد (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۲/۶). از همین معنا آشکار می‌شود که صلح را نمی‌توان در بازخوردهای انفعالی زنان آسیب‌دیده از شوهرانشان معنا کرد. زیرا آن بازخوردها، تأثیرات منفی بر روان و اندیشه آن‌ها می‌گذارند. بر این پایه آموزه‌هایی از قرآن کریم بررسی می‌شوند که در بازسازی سلامت روان و اندیشه برای پذیرش صلح سودمندند.

- زمینه‌ساز پذیرش صلح، هماهنگ نمودن میزان چشم‌داشت از دیگران با شخصیت آن‌هاست.

مطابق با آیه زیر، رفتار هر فردی برگرفته از شاکله اوست:

﴿قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلْتِهِ﴾ (الاسراء/۸۴)

«بگو: هر کس بر حسب ساختار [روانی و بدنی] خود عمل می‌کند»

"شاکله" در اصل از ماده "شکل" به معنای در بند کردن حیوان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۶) نیت‌ها، آیین‌ها و مذاهبی که اعمال انسان را در بند می‌کنند، شاکله انسان را پدید می‌آورند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ق: ۳۵۷/۱۱) به تعبیر دیگر تمام گرایشات و خلق و خوی ثابت انسان، شاکله اوست (همان) بنا به تعریف فوق، شاکله فقط به طبیعت انسان محدود نشده، طریقه، راه و روش زندگی و هر آنچه که عمل را در بند سازد نیز گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۲۴۷).

همسرآزاری نشان‌دهنده شاکله نامتعادل فرد آزار دهنده است. انتظار رفتار نیکو از فردی که شخصیت مناسبی ندارد، خلاف سنت الهی و قانون عقلاست. این ادعا برگرفته از آیه زیر است:

﴿لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا أَوْسَعَهَا﴾ (البقرة/۲۸۶)

این کلام دربردارنده سنت جاری خداوند بین بندگانش، همچنین سنت و قانون عقلاست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۴۴۴) از فحوای کلام و مفهوم موافق آیه استنباط می‌شود که مطابق با این سنت الهی و قانون عقلایی، انسان‌ها هم نباید از دیگران بیش از توان آن‌ها انتظار داشته باشند.

پذیرش این آموزه به زن آسیب دیده از همسرآزاری کمک می‌کند تا چشم‌داشتش را از همسرش با شخصیت او هماهنگ کرده، رفتارهای نامناسب او را نمودی از شخصیت نامناسبش تعریف کند. در چنین صورتی نه تنها آستانه شکیبایی خود را در برابر رفتارهای نامناسب همسرش بالا برده، چه بسا با دیده ترحم نیز به او می‌نگرد، در صدد کمک به او برمی‌آید. در اینجاست که فرد آسیب دیده می‌تواند در مقام درمانگر نسبت به فرد آزاردهنده قرار گیرد.

- بازگشتی آگاهانه به یاد خداوند به عنوان یکی از قوانین آفرینش، در بازسازی سلامت روان و اندیشه برای پذیرش صلح سودمند است.

انسان دارای فطرتی خدا آشنا است؛ به خدای خود در عمق وجدان خویش آگاهی دارد (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۴: ۹). آیه "الست" شاهی بر این ادعاست:

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾ (الاعراف/۱۷۲)

«و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [امر] غافل بودیم»

گرچه ذیل این آیه وجوه متفاوت تفسیری برگرفته از روایات امامیه (ر.ک حویزی، ج ۲: ۹۲) و اهل سنت (ر.ک ابن کثیر، ج ۳: ۴۵۱-۴۵۶) بیان شده، اما همه در تأیید خدا آشنایی فطرت انسانی مشترک‌اند.



بر همین پایه خداجویی فطری، یکی از قوانین نظام هستی است که سرپیچی آگاهانه از آن، آسیب‌های فراوانی را بر پیکره هستی انسان پدید می‌آورد. آیه زیر دربردارنده یکی از آن آسیب‌هاست:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ (طه/ ۱۲۴)

«و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [او سختی] خواهد داشت»  
ذکر در لغت به معنای حالتی نفسانی برای اخذ، حفظ و یا یادآوری معلومات و معارف است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۲۸). پس به بازیابی آگاهانه فطرت الهی و پرورش آن ذکر می‌گویند. رویگردانی از یاد خداوند به عنوان نادیده انگاری قانون فطرت نیز سختی زندگی را در پی خواهد داشت. شناخت این آموزه به عنوان یکی از قوانین فطری در نظام هستی، فرد را مصمم می‌کند تا یاد خداوند را به عنوان اولین گام در بازسازی روان آسیب‌دیده خود بپذیرد.

- توجه به همراهی همیشگی دشواری با انسان خاکی، زمینه‌ساز بازپروری روان و اندیشه برای پذیرش صلح است.

در آموزه‌های قرآنی، رنج‌ها و ناهمواری‌های زندگی، جزئی جدایی‌ناپذیر از انسان و نظام دنیا معرفی شده‌اند:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ (البلد/ ۴)

«به راستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم»

از واژگان به کار رفته در آیه و نوع چینش آن نکات زیر استنباط می‌شود:

- تأکیدات "ل" و "قد" به حتمیت و قطعیت گزاره اشاره داشته، آن را به صورت یک قانون در نظام هستی در می‌آورد.

- از لوازم فعل "خلقنا" دریافت می‌شود که رنج و سختی از آغاز آفرینش آدمی در این دنیای خاکی، همراه او و یکی از ویژگی‌های اقتضایی سرشت بشری‌اش است. همچنین انتساب آن به خداوند، به صورت متکلم مع‌الغیر، ظهور در قانون بودن آن داشته که بدون تغییر و تبدیل، تحت نظامی واسطه مند اجرا می‌شود.

- کاربرد حرف "فی" برای "کبد" نشان از چیرگی گسترده رنج بر انسان دارد.

- "ال" جنس در "الانسان" به شمول این خبر برای جنس بشر و قانون بودن این خبر اشاره دارد.

- "کبد" به معنای مشقت و در سختی و تنگنا افتادن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۵؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۰، ۱۳).

بر پایه استنباط‌های یادشده از آیه، قانون "دشواری همیشگی و فراگیر بر انسان حاکی" نتیجه می‌شود. شناخت و پذیرش این قانون، انتظارات فرد را از دنیا تغییر داده، دغدغه‌ها و مشکلات زندگی را به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر و طبیعی در زندگی خود می‌پذیرد. همچنین شرایط بحرانی زندگی را تنها سهم خود نمی‌داند. این آموزه، آستانه شکیبایی فرد آسیب دیده را تا حد زیادی بالا می‌برد.

- توجه به سنت امتحان، زمینه‌ساز بازپروری اندیشه و روان برای پذیرش صلح است.

یکی از آموزه‌های قرآنی در راستای بازپروری، توجه به سنت ابتلاء و امتحان در نظام هستی است. از نگاه قرآن، تمام رخدادهای تلخ و شیرین، قالب‌هایی برای برپاشدن سنت امتحان‌اند. آیات متعددی، بیانگر این دیدگاه‌اند. مانند:

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُوكُمُ بِالْأَشْرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ (الأنبياء / ۳۵)

«هر نفسی چشنده مرگ است، و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود، و به سوی ما بازگردانیده می‌شوید»

در روایات تندرستی، توانگری و گشایش از مصادیق خیر، و بیماری، فقر و سختی از مصادیق شر هستند (نوری، ۱۴۰۸: ۲، ۱۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۵، ۲۱۳). بنابراین تمام رخدادهای تلخ و شیرین، برای امتحان بشر در سیستم نظام‌مند الهی هستند. سنت امتحان در قرآن کریم با چهار واژه ابتلاء (اعراف/۱۶۸)، امتحان (الحجرات/ ۳)، تمحیص (آل عمران/ ۱۴۱) و فتنه (العنکبوت/ ۲) معرفی شده است. با معنانشناسی این واژگان، می‌توان به نگاه قرآن درباره حوادث و رخدادهای زندگی دست یافت.

واژه ابتلاء که با ۳۴ بار تکرار، بیش‌ترین کاربرد را در بیان این سنت داشته، از ریشه "بلو" به معنای ایجاد تحول و دگرگونی برای رسیدن به نتیجه مورد نظر است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱، ۳۳۵). بر همین اساس این واژه به کهنگی لباس، کسب تجربه و کهنه‌کار شدن در سفر نیز اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۵). زیرا با دگرگونی همراه است. در قرآن کریم به سنت آزمایش، ابتلا گفته شده، زیرا سبب تحول، کارآزمودگی و کسب تجربه می‌شود.

"فتنه" در اصل برای در آتش نهادن طلا به کار رفته تا ناخالصی‌هایش گرفته شود (همان: ۶۲۳) به استناد معنای وضعی آن، کاربردش برای سنت آزمایش، این پیام ویژه را دارد که انسان وجودی ارزشمند بوده که ناخالصی‌هایی دارد. در کوران حوادث روزگار گداخته می‌شود تا ساخته و پرداخته شده، عیار انسانی‌اش بالا رود.

واژه امتحان که فقط یکبار در قرآن کریم، معرف سنت آزمایش بوده، در اصل به معنای تازیه‌زدن، همچنین برای ذوب کردن طلا و نقره، به منظور گرفتن ناخالصی‌ها و بالا رفتن عیارشان به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳، ۴۰۱). پس پیامی که در واژه "فتنه" نهفته است، در "امتحان" هم هست؛ با این تفاوت که با استناد به معنای وضعی این واژه، رنج و دشواری که در سنت آزمایش بوده، با واژه "امتحان" محسوس‌تر می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱، ۳۳۵).

معنای وضعی "تمحیص" نیز گداختگی طلا با آتش برای پاک نمودنش از ناخالصی هاست. (ابن منظور، ۷: ۱۴۰۴، ۸۹) با این تفاوت که در این واژه، ابقاء و تثبیت اصل شیء هم لحاظ شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۱، ۳۸).

با تکیه بر واژه‌شناسی‌های فوق می‌توان به این نتیجه رسید که در دیدگاه قرآن، شرایط بحرانی، دگرگونی‌ها و گداختگی‌ها، فرصت‌هایی مناسب برای بالا بردن عیار انسانی انسان است. مشکلات، آدمی را کار آزموده، مجرب و آماده برای ترقی به مقامی بالاتر می‌کنند.

توجه به قانون آزمایش از دیدگاه قرآن و پذیرش آن، نگرش فرد را نسبت به شرایط بحرانی زندگی تغییر می‌دهد. به گونه‌ای که به "مشکلات پیش‌آمده" به عنوان "فرصت‌های پیش‌آمده برای بالا بردن عیار انسانی" نگاه می‌شود. این نگرش، آستانه شکیبایی در مقابل دشواری‌ها را بالا می‌برد.

- یادآوری جنبه‌های مثبت زندگی، احساس رضایتمندی در زندگی را پدید می‌آورد.

فرایند سپاسگزاری در چهار مرحله شناخت نعمت دهنده، اعتراف به نیکی‌های او در حق خود (ابن منظور، ۴: ۱۴۰۴، ۴۲۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۶، ۹۸) و اظهار نعمت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۱) به زبان و عمل (طریحی، ۱۳۷۵: ۳، ۳۵۳) انجام می‌گیرد. بنابراین

یادآوری جنبه‌های مثبت زندگی، اولین گام در فرایند سپاسگزاری است. پیامدهای سپاسگزاری و ناسپاسی در آیه زیر چنین بیان می‌شود:

﴿لَیْسَ شُكْرُكُمْ لَآزِیْدَنَّكُمْ وَلَیْنَ كَفْرُكُمْ لَآیْزِیْدَنَّ عَذَابَیْ لَشَدِیْدٍ﴾ (ابراهیم / ۷)

«اگر شکر کنید، بر شما می‌افزایم. و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود»

مطابق با وعده الهی در این آیه، فرد سپاسگزار شایسته افزون شدن می‌شود. بسیاری از تفاسیر و ترجمه‌ها به "لأزیدنكم" قید نعمت را زده‌اند. برخی تفاسیر قیده‌های دیگری مانند زیادی در طاعت و ثواب (بعوی، ۱۴۲۰: ۳، ۳۱)، خدمت (سلمی، ۱۳۶۹: ۱۱۲)، فضل و خیر در دنیا (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲، ۵۰۵) و رضایت مؤمن (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵، ۳۰۶) را ذکر کرده‌اند. حداقل هفت ترجمه، قیدی به "لأزیدنكم" زده، آن را به صورت "شما را افزون می‌کنم" ترجمه کرده‌اند (اسفرائینی، ۱۳۷۵؛ معزی، ۱۳۷۲؛ مصباح زاده، ۱۳۸۰؛ ابو الفتوح رازی، ۱۴۰۸؛ اشرفی، ۱۳۸۰، ذیل ابراهیم/۷). حق کلام این است که نمی‌توان بدون قرینه و دلالتی، واژه‌ای را مقید کرد. بنابراین از ظاهر آیه دریافت می‌شود که انجام مراحل چهارگانه شکر، وجود فرد را وسعت و ژرفا می‌دهد. افزایش گستره وجودی، ظرفیت پذیرش رحمت ویژه خداوند را زیاد می‌کند. حال رحمت خاص الهی می‌تواند شامل نعمت افزون‌تر، خیر و فضل بیش‌تر و سایر مصادیقی شود که برای آیه ذکر کرده‌اند. فرد سپاسگزار، آنچنان ژرفا و وسعتی می‌یابد که ناکامی‌های زندگی‌اش را در برابر نعمت‌ها و داده‌هایش کوچک‌تر و کم‌ارزش‌تر از آن می‌داند که آرامشش را به هم زند.

اگر پدیده همسرآزاری شرایط بسیار بحرانی را برای فرد پدید آورده، او را از نعمت‌هایی محروم نموده، اما همواره نعمت‌های دیگری وجود دارد که فرد می‌تواند با بازپایی آن‌ها، در فرایند سپاسگزاری وارد شده، از پیامدهای قانون شکر بهره‌مند گردد. توجه دادن فرد به نعمت‌های پنهان زندگی‌اش، احساس خرسندی و رضایتمندی را در او پدید می‌آورد.

مطابق با آیه مورد بحث، زیر پا نهادن قانون شکر، عذاب شدید الهی را در بر دارد. از آنجا که عذاب شدید در این آیه به طور مطلق آمده است، نمی‌توان آن را مقید به عذاب اخروی کرد. بنابراین یکی از مصادیق عذاب شدید، پیامدهای ناگوار دنیایی است. به این

معنا که نادیده گرفتن جنبه‌های مثبت زندگی، شرایط بحرانی فرد را بدتر از پیش می‌کند. این پیام هشدار در قانون شکر، می‌تواند تقویت‌کننده مناسبی برای برانگیختن فرد در پرهیز از نادیده انگاری جنبه‌های مثبت زندگی باشد.

- صلح فرایندی دوسویه است که شامل مردان همسرآزار هم می‌شود.

با توجه به گزاره ی قرانی " فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا " صلح و آشتی دوسویه است. اگر شایسته است زن برای مدارا و همراهی کردن با شرایط بحرانی آسیب‌زا، در بازسازی روان، اندیشه و رفتار خود تلاش نماید، سزاوار است که مرد نیز در رسیدن به این هدف کوتاهی نکند. نکته چالش برانگیز این که مرد همسرآزار احساس نیاز به برقراری صلح نمی‌کند. همچنین مدارا نمودن زن با شرایط بحرانی، تناوب و تکرار رفتار خشونت‌آمیز و گستاخی مرد را بیش‌تر می‌کند (ربانی و جوادیان، ۱۳۸۶: ۲۸).

اما باید یادآوری کرد این بازخورد منفی و گستاخانه از جانب مردان زمانی پدید می‌آید که زنان حالتی انفعالی در برابر خشونت همسرشان داشته باشند (همان). همان‌گونه که گفته شد صلح و مدارا در ادبیات قرآن با حالت انفعالی زنان آسیب‌دیده، متفاوت است. فرایند صلح و مدارا از جانب زنان، مطابق با دریافت‌های قرآنی، باید به گونه‌ای باشد که زن را تا مقام یک درمان‌گر نسبت به همسرش بالا برد. بازپروری روان، اندیشه و رفتار زن آسیب‌دیده از همسرآزاری در فرایند صلح و مدارا، از زمینه‌های درک و پذیرش مشکل از جانب مرد می‌باشد. درک و پذیرش مشکل از جانب مرد، مقدمه‌ای برای ورود او به فرایند صلح به معنای بازپروری روانی، اندیشه‌ای و رفتاری می‌شود.

- خود بازسازی در فرایند صلح، زمینه‌ساز خود نگهداری و چشم پوشی از برخی حقوق برای ماندگاری زندگی مشترک است.

گزاره "أَخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ"، تعبیری کنایی است از اینکه آنچه مانع صلح و آشتی می‌شود شح نفس است. بخل و بی‌ژگی‌گریزی است که وجودش برای حفظ بقای انسان و دفاع از حقوق خود ضروری است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰/۵) اما در این آیه با بیان واژه "شح" به معنای بخل شدید و تعبیر "أَخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ"، در صدد بیان بخلی است که انسان خود را در معرض آن قرار داده، با پرورش افراط‌گونه‌اش، جایگاه آن را در روح و روانش استوار نموده است (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۳۰/۶). صاحب صفت شح، حقوقش را

افراط‌گونه خواستار شده، طلبکارانه همه آن‌ها را ویژه خود می‌داند. صلح و سازش زمانی امکان دارد که همسران این صفت را در خود کنترل نموده، از برخی حقوق خود بگذرند. این امر هم به دست نمی‌آید، مگر اینکه ساختار نگرشی فرد، آماده کنترل این ویژگی گردد.

بنابراین بازسازی روان و اندیشه، زمینه‌ساز خود نگهداری و چشم‌پوشی از برخی حقوق است. در غیر این صورت، صلح و سازش در این آسیب خانوادگی جایگاهی ندارد.

- آموزه‌های قرآنی به مردان همسرآزار در سه محور بازسازی روانی، تقوا و نیکوکاری ارائه می‌شوند.

گزاره‌های "وَأِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا" و "وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا"، روی سخن با مردان همسرآزار دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰/۵). آن‌ها را به سه اصل صلح، نیکوکاری و تقوا سفارش می‌کند. خطاب این گزاره‌ها به مردان، ظهور در مسئولیت بیش‌تر مردان در خود بازسازی، خود نگهداری و چشم‌پوشی از برخی حقوق خود برای بقای زندگی مشترک دارد. این سفارش‌ها با گزاره هشدار "فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا" و گزاره تشویقی "فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا" همراه شده‌اند. هشدار و تشویق مردان همسرآزار با این گزاره‌های عاطفی، به آن‌ها در پذیرش خطاهایشان، بازپروری روان، اندیشه و افکارشان و رعایت حدود الهی در برابر همسرشان انگیزه می‌دهد.

### مرحله جدایی

اگر همسران درگیر در این آسیب خانوادگی، نتوانستند فرایند صلح را مطابق با آموزه‌های دریافتی از آیات مربوطه به انجام برسانند، تنها راهکار جدایی از همدیگر باقی می‌ماند. این راهکار قرآنی چنین بیان شده است:

﴿وَلِنْ يَفْرَقَا يَنْعِنِ اللَّهُ كُلًّا مِّنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا﴾ (النساء/ ۱۳۰)

«و اگر آن دو، از یکدیگر جدا شوند، خداوند هر یک را از گشایش خود بی‌نیاز گرداند، و خدا همواره گشایشگر حکیم است»

راهکار جدایی در قرآن دربردارنده آموزه‌های زیر است:

- همزیستی ناسازگارانه مورد تأیید قانون خداوند نیست

این یک انگاره نادرست است که همسران حتی در بحرانی‌ترین ناسازگاری‌ها باید کنار همدیگر باشند. زیرا نه فطرت، نه طبیعت و نه قانون الهی چنین انگاره‌ای را تأیید نمی‌کند. بنابراین راهکار انفعالی که متأسفانه نیمی از زنان آسیب‌دیده برای ماندگاری انسجام خانواده انتخاب می‌کنند، از دیدگاه قرآن پذیرفتنی نیست. زیرا آسیب‌های جسمی و روانی فراوانی را برای زنان به همراه دارد. اگرچه جدایی در نزد خداوند، منفورترین حلال است (عاملی، ۱۴۰۹: ۷/۲۲)، اما در شرایطی که صلح و مدارا صورت نگیرد، باید به عنوان دومین و آخرین راه حل پذیرفته شود.

- با امیدواری به وسعت دهندگی حکیمانه الهی، دشواری‌های بعد از جدایی هموار می‌شود.

زنان آسیب‌دیده از خشونت همسرانشان، غالباً به دلیل ترس و وحشت از اینکه ترک کردن، خطرناک‌تر از ماندن است، به رابطه خود ادامه می‌دهند (خمسه، ۱۳۹۱: ۱۳۹). گزاره‌های عاطفی "يُغْنِي اللَّهُ كُلًّا مِّنْ سَعَتِهِ" و "وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا" با یادآوری دو صفت وسعت دهندگی و حکمت الهی، زنان آسیب‌دیده از خشونت همسرانشان را دلداری می‌دهد که در صورت جدایی دچار ترس و نگرانی نشوند، غم روزی نخورند و باور کنند که خداوند آن‌ها را بی‌نیاز خواهد کرد و به یاری آن‌ها خواهد آمد. این دلداری سبب تقویت روحی آن‌ها و اعتماد به نفسشان می‌شود (جعفری، بی تا: ۵۸۰/۲).

### نتیجه بحث

یافته‌های پژوهش حاضر در راستای چیرستی و چگونگی نقش آموزه‌های قرآنی در رویارویی با همسرآزاری مردان موارد زیر هستند:

اصطلاح همسرآزاری مردان با واژگان نشوز و اعراض همبستگی معنایی دارد.

صلح و سازش دوسویه، به عنوان اولین و بهترین راهکار قرآنی در رویارویی با پدیده همسرآزاری مردان است. فرایند صلح در ادبیات قرآن، شامل بازسازی سلامت روانی، فکری و رفتاری برای همراهی با همدیگر در حفظ ماندگاری خانواده تعریف می‌شود.

یاد خداوند به عنوان آرامش‌زای فطری، اولین گام در بازسازی سلامت فکر و روان است.

شناخت و پذیرش آموزه‌هایی مانند همراهی همیشگی دشواری با آدمی، پرورش روان آدمی در کوران رخدادها، قانون شکر و تعدیل سطح انتظار با شخصیت فرد آزردهنده در بازسازی سلامت روان، فکر و رفتار تأثیر بسزایی دارد. خود بازسازی در فرایند صلح، زمینه‌ساز خود نگهداری و چشم‌پوشی از برخی حقوق برای ماندگاری زندگی مشترک است.

فرایند صلح در آموزه‌های قرآنی، تفاوت معناداری با واکنش‌های انفعالی زنان آسیب‌دیده در جامعه دارد.

راهکار صلح در قرآن کریم، فرایندی دوسویه است که شامل مردان همسرآزار هم می‌شود.

در قرآن کریم به بازسازی سلامت روانی، فکری و رفتاری مردان در پدیده همسرآزاری توجه بیش‌تری شده است.

آموزه‌های قرآنی به مردان همسرآزار در سه محور بازسازی روانی، تقوا و نیکوکاری ارائه می‌شوند.

جدایی به عنوان دومین و آخرین راهکار قرآنی در این آسیب خانوادگی است. همزیستی ناسازگارانه همسران در قانون الهی جایگاهی ندارد.



## کتابنامه

قرآن کریم.

## کتب فارسی

احمدی، سید احمد. ۱۳۶۸ش، **مقدمه‌ای بر مشاوره و روان‌درمانی**، چ دوم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

حجتی، محمدباقر. ۱۳۷۷ش، **اسباب النزول**، چ ششم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حسینی، ابوالقاسم. ۱۳۷۴ش، **اصول بهداشت روانی**، چ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.

خمسه، اکرم. ۱۳۹۱ش، **راهبردهای جدید در زوج درمانی**، چ دوم، تهران: کتاب ارجمند.

خنیفر، حسین. ۱۳۸۷ش، **آسیب شناسی خانوادگی**، چ اول، تهران، دانشگاه جامع علمی کاربردی.

ستوده، هدایت الله. ۱۳۶۸ش، **آسیب شناسی خانواده**، چ اول، تهران، ندای آریانا.

مصطفوی، حسن. ۱۳۸۰ش، **تفسیر روشن**، تهران: مرکز نشر کتاب.

مطهری، مرتضی. ۱۳۷۰ش، **انسان در قرآن**، چ چهارم، قم: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامية.

## کتب عربی

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. ۴۲۲ق، **زاد المسیر فی علم التفسیر**، بیروت: دار الکتب العربی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. ۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. ۴۰۸ق، **روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر. ۳۷۵ش، **تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

بغوی، حسین بن مسعود. ۴۲۰ق، **معالم التنزیل فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم. ۴۲۲ق، **الکشف والبیان عن تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح. ۴۰۴ق، **آیات الأحکام**، تهران: انتشارات نوید.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۴۱۲ق، **المفردات فی غریب القرآن**، دمشق: دار العلم.

رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد. ۳۷۳ش، **کشف الأسرار وعدة الأبرار**، تهران: امیرکبیر.

سعدی، ابو جیب. ۴۰۸ق، **القاموس الفقہی لغة واصطلاحا**، چ دوم، دمشق: دار الفکر.

سلمی، محمد بن حسین. ۱۳۶۹ش، **حقائق التفسیر**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- سید مرتضی. ۱۳۷۶ش، **الذریعة**، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۴ق، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخر الدین. ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرین**، تحقیق سید احمد حسین، چ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. بی تا، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، شیخ حر. ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. ۱۴۱۵ق، **تفسیر نور الثقلین**، قم: اسماعیلیان.
- عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰ش، **کتاب التفسیر**، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.
- قمی، علی بن ابراهیم. ۱۳۶۷ش، **تفسیر قمی**، قم: دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۶۵ش، **الکافی**، چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی (علامه)، محمد تقی. ۱۴۰۴ق، **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۶۰ش، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- موحدی لنکرانی، محمد فاضل. ۱۴۲۱ق، **تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة**، چ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- نجفی، محمد حسن. ۱۴۰۴ق، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، چ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری (محدث)، حسین. ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

## مقالات

- ربانی، رسول و جوادیان، سید رسول. ۱۳۸۶ش، «بررسی رفتار زنان در برابر خشونت شوهران»، دانشگاه شاهد، سال چهاردهم، شماره ۲۵، صص ۱۹-۳۰.

## Bibliography

the Holy Quran.

### A: the Persian sources

Ashraf Tabrizi, Mahmoud, 1380 s, the translation of the Quran (Ashraf), Tehran, eternal Publications.

Ahmadi, Sayed Ahmad, 1368 S, An Introduction to Counselling and Psychotherapy, second edition, Isfahan University.  
Hojjati, MB, 1377 s, Reasons go down (Asbab alnozool), Tehran, Islamic Culture Publishing Dfmr, sixth edition.  
Hosseini, A. 1374 s, Principles of Mental Health, first edition, Mashhad, Razavi.  
Khamse, Akram, 1391 s, new strategies in couple's therapy, second edition, Tehran, venerable books.  
Khanifar, Hussein, 1387 s, family pathology, first edition, Tehran, University of Applied Sciences.  
Sotoudeh, Hidayatullah, 1386 s, family pathology, first edition, Tehran, Call Arianna.  
Makarem Shirazi, Naser, 1374 s, interpreting example, Tehran, Dar alkotob alislami.  
Mohammad Habib, A. 1380s, translation of the Qur'an (Reshad), Tehran: Organization of eternal farewell Publications.  
Mostafavi, Hassan, 1380s, a clear interpretation, Tehran, Center for Book Publishing.  
Motahari, M. 1370 s, Man in the Quran, fourth edition, Qom, Sadra Publications.  
Moezzi, Mohammad Kazem, 1372 s, the translation of the Quran (Sale), Bi Cha, Qom, model.

**B: the Arabic sources**

Abo alfutuh Razi, Hussein bin Ali, 1408 AH, Roud Paradises and the spirit of Paradise in the interpretation of the Qur'an, Mashhad, Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi.  
Aroosi Hvyzy, Abdul Ali bin Juma, 1415 AH, Noor Althaglin interpretation, Qom, Ismailian.  
Ameli, Sheikh Horr, The means of Shia, Qom, al-Bayt Institute, 1409 AH.  
Ayyashi, Mohammed bin Masoud, 1380 s, Book interpretation, research: Rasooli Mahallati, SH, Tehran, Elmiie printing.  
Baghvy, Hussein ibn Mas'ud, 1420 AH, Download landmarks in the interpretation of the Koran, Beirut, Darahya' Altras Alarabi.  
Esfarāyeni, Abu al-Mozaffar Shahfvr Ben Taher, 1375 S, Taj of translations in the interpretation of the Qur'an to non-Arabs, Tehran, Cultural and Scientific Publications.  
Ibn Jozi, Faraj al-Rahman ibn Ali, 1422 AH, Luggage of the way in the science of interpretation, Beirut, Dar alkotob alislami.  
Ibn Manzur, Mohammed bin Mokarram, 1414 AH, Arabian language, Beirut, Dar sader.  
Jarjani Hosseini, Seyed Amir Aboul Fotouh, 1404 AH, legal verses (Jarjani), Tehran, Navid.  
Qomi, Ali bin Ibrahim 1367s, interpretation Qomi, Qom, Dar Alkotob.  
Koleini, Mohammad Yaqoob, 1365 s, a l-Kafi, fourth edition, Tehran, Dar Alkotob Alesgimiie.  
Raghib Isfahani, Husayn ibn Muhamma d, 1412 AH, The vocabulary in a strange the Qur'an, Damascus. Dar Alelm.  
Rashid al-Ahmad ibn Abi Saad, 1373 S, Secrets Revealed and Goods for the righteous, Tehran, Amir Kabir.  
Saadi, Abu Jeib, 1408 AH, jurisprudential dictionary In terms of language and idiomatically, Damascus, second edition, Dar Alfikr.  
Saalabi Nishapur, Abu Ishaq Ahmad Bin Ibrahim, 1422 AH, The detection and the statement of interpretation of the Koran, Beirut, Darahya' Altras Alarabi  
Salma Mohammed bin Hussein, 1369 S, Realities of interpretation, Tehran, Nashr

Sayyid Murtada, 1376s, the pretext, Tehran, Publishing and Printing Institute of Tehran University.

Seyuti, Jalaluddin 1404 AH, Durr scattered in the interpretation of the dictum, Qom, Ayatollah Marashi Najafi library.

Tabatabaei, Seyed Mohammad Hussein, 1417 AH, al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom.

Tabarsi, Fazl bin Hasan 1372 s, complex of The statement in interpretation of the Qur'an, Tehran, Naser Khosrow.

Toreihi, Fakhr Aldin, 1375 S, Magmaa Albahrain, Research: Hussain, Sayed Ahmad, third edition, Tehran, bookstore Mortazavi.

Tusi, Muhammad ibn Hasan, 1421 AH, Clarification of the interpretation of the Qur'an , Beirut, Darahya' Altras Alarabi

Movahedi Lankarani, Mohammad Fazel, Sharia Detailing in explaining Tahrir Alvasile, First edition , Qom, the jurisprudence Center of Imams.

Maglesi, Muhammad Taqi, 1404 AH, Bihar al-Anwar, Beirut: Alvafa Institute.

Mostafavi, Hassan, 1360s, the investigation in the words of the Qur'an, Tehran: translation and publication.

Najafi, Mohammad Hassan 1404 AH, Jewels of speech in explaining the laws of Islam, Beirut, Darahya' Altras Alarabi.

Noori, Hussein, 1408 AH, Mustadrak of Alvsayl Alshiaa, Qom, Aal-alBayt Institute.

**C: Articles**

Rabbani, R., Javadian, S. R., Survey on the behavior of women against husbands' violence, Shahed University, Fourteenth year, NO: 25, 1386, p:19-30

